

فاصله‌ی نسلی در حوزه‌ی معیارهای همسرگزینی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن^۱

* اسماعیل جهانبخش

** دکتر باقر ساروخانی

کد مقاله: ۳۰۲

چکیده

این پژوهش با روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری شامل پدران با پسر مجرد و مادران با دختر مجرد ۱۹ تا ۳۴ سال و پسران و دختران مجرد ۱۹ تا ۳۴ سال ساکن شهر تهران بوده‌اند. حجم نمونه ۶۰۰ نفر و به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای بین گروه‌های چهارگانه پاسخگو به‌طور مساوی تقسیم شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهند که تفاوت‌ها بین معیارهای نسل والدین در هنگام همسرگزینی خود با معیارهای همسرگزینی نسل فرزندان معنی‌دار است و آزمون فرضیات حاکی از آن است که جنسیت، سن، تحصیلات، شغل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، روابط با بستگان و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی موجب تفاوت بین دو نسل در معیارهای همسرگزینی‌شان می‌باشد. با آزمون‌های رگرسیون و تحلیل مسیر مشخص شد که عمده‌ترین تعیین‌کننده‌ها در فاصله‌ی نسلی، نوع شغل، میزان تحصیلات و میزان استفاده از ماهواره می‌باشد که در مجموع ۴۹ درصد تغییرات فاصله نسلی را توضیح می‌دهند. همچنین نتایج آزمون‌ها حاکی از آن است که در مجموع بین معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندان‌شان در مقایسه با نظرات نسل فرزندان در این مورد، تفاوت معنی‌داری وجود نداشته است.

واژگان کلیدی: فاصله‌ی نسلی، همسرگزینی، معیارهای ظاهری و جسمی، معیارهای اخلاقی و مذهبی، عشق و علاقه و تفاهم، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، روابط اجتماعی.

۱- مقاله‌ی حاضر بر اساس گزارش نهایی رساله‌ی دوره‌ی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به سال ۱۳۸۸ تحت عنوان «فاصله نسلی در حوزه‌ی معیارهای همسرگزینی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، تدوین گردیده است.

* دانش‌آموخته دوره‌ی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات E-mail: esjahan@yahoo.com

** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات E-mail: B_Saroukhani@yahoo.com

مقدمه

تحولات ناشی از دوران گذار را می‌توان در آنچه که بنام «فاصله‌ی نسلی»^۱ نامیده می‌شود، به خوبی مشاهده نمود. به گونه‌ای که دورکیم^۲ در تحقیقات خود در اروپای قرن نوزدهم به خوبی نشان داده، در دوران گذار از سنت به تجددگرایی، ناپسامانی اجتماعی^۳ شدت می‌یابد؛ در این وضعیت هنجارهای سنتی پذیرش عمومی خود را از دست داده و هنجارهای جایگزین هنوز به وجود نیامده و یا عمومیت نیافته است. این وضعیت موجب خلأ هنجاری و شکاف ارزشی در نسل‌های جدید شده است و به تبع آن الگوناپذیری فرزندان از والدین و نیز نافرمانی مدنی در سطح جامعه را به وجود می‌آورد.

کشور ما ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان سوم در مرحله‌ی گذار از سنت به تجددگرایی است که تغییرات اجتماعی وسیعی را در همه‌ی پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و همسرگزینی ایجاد کرده است. دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده است و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات نسل جدید به مراتب بیشتر از گذشته شده است.

روند تحولات در ارزش‌ها، رسوم و الگوهای رفتاری به قدری سریع است که آن‌را در فاصله‌ی دو نسل (نسل والدین و نسل فرزندان) می‌توان تشخیص داد. فرزندان تاثیر بیشتری از قالب‌های دنیای جدید می‌پذیرند و در انتخاب همسر، معیارهای دنیای متمدن را بیش از الگوهای ارزشی والدین‌شان در نظر می‌گیرند. از طرف دیگر والدین در ایران هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای در مشاوره با فرزندان‌شان در انتخاب همسر دارند و بعضاً الگوهای ارزشی‌شان متفاوت با فرزندان‌شان است که موجب چالش بین معیارهای والدین و فرزندان می‌شود. به نظر می‌رسد در جامعه‌ی کنونی ایران تفاوت بین معیارهای والدین و فرزندان ازدواج و همسرگزینی در بسیاری از خانواده‌ها همچنان به‌عنوان یکی از مشکلات همسرگزینی جوانان به شمار می‌رود که در این تحقیق این موضوع به‌عنوان یکی از ابعاد فاصله نسلی بررسی خواهد شد.

اهداف تحقیق

- ۱- شناخت معیارهای همسرگزینی فرزندان
- ۲- شناخت معیارهای همسرگزینی والدین در هنگام ازدواج خود

۳- شناخت معیارهای والدین برای همسرگزینی فرزندانشان

۴- شناخت عوامل مؤثر بر فاصله‌ی نسل والدین و نسل فرزندان در معیارهای

همسرگزینی

مفاهیم اساسی تحقیق

- نسل^۴

نسل به عنوان یک واقعیت شامل افرادی است که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند، با معاصرانشان مرتبط و به لحاظ تاریخی هم‌دوره‌ای هستند (مانهایم، ۱۹۵۲، ص ۲۹۰).

- شکاف نسلی

در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد شکاف نسلی چنین تعریف شده است: شکاف ارزشی بین نسلی^۵ انتقال نیافتن ارزش‌های نسل پیشین به نسل پسین و در نتیجه فقدان درک و تفاهم ارزش‌ها میان نسل‌ها است که به دلیل تجربیات متفاوت آن‌ها ایجاد شده است.

- مفهوم ارزش

در جامعه‌شناسی زمانی که از هنجارها، رسوم، رفتارها، ایدئولوژی‌ها و مانند آن صحبت می‌شود این واژه را به عنوان یک مفهوم اجتماعی به کار می‌برند. در روانشناسی و روانشناسی اجتماعی واژه‌ی ارزش عبارت از کیفیتی از سوگیری‌های گزینشی است که شامل اولویت‌ها، انگیزش‌ها، احتیاجات و نگرش‌های فردی و اجتماعی است. انتخاب‌ها و ملاک‌ها و معیارهای گزینش و تصمیم‌گیری نیز از نظر بسیاری از صاحب‌نظران این رشته‌ها تحت تاثیر نظام ارزش‌های فرد و جامعه می‌باشد.

- معیار^۶

در این تحقیق علاوه بر این که کلمه معیار به معنای لغوی آن برای وسیله‌ی سنجش به کار رفته است اما معنای وسیع‌تر آن، همان‌گونه که در سایر مباحث اجتماعی و علوم انسانی نیز به کار می‌رود، همان مفهوم «ارزش» می‌باشد و «معیارهای همسرگزینی» در این تحقیق

همانا ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که افراد برای گزینش همسر در نظر دارند و در تصمیم‌گیری خود برای انتخاب همسر، آن‌ها را در نظر می‌گیرند.

مروری بر ادبیات تحقیق

نظریات کلان در موضوع ارزش‌ها و فاصله نسلی

- رویکرد نسل‌های تاریخی^۷

به عقیده‌ی کارل مانهایم^۸، نسل محل ظهور و نیز تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در زمینه‌ی اجتماعی - تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معینی در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جهت‌گیری‌ها به صورت اهداف، نیات و راه‌حل‌های نو برای فشارها و مشکلات زندگی به صورت سبک نسلی ظاهر می‌شود (مانهایم، ۱۹۵۲، ص ۳).

مارگارت مید^۹ تغییرات اجتماعی و سرعت آن را علت اصلی ایجاد فاصله‌ی نسلی می‌داند، زیرا چنین تغییراتی فرآیند مداوم و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را دچار وقفه و مشکل می‌کند و بین دو نسل مختلف تجربه و فرهنگ متفاوت ایجاد می‌نماید.

رونالد اینگلهارت^{۱۰} ضمن تقسیم‌بندی ارزش‌ها به دو دسته ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرامادی معتقد است که مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام باعث تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام می‌شود. وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیع‌تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی، گسترش و نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند (ینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۶۱).

- رویکرد گذار از سنت به تجددگرایی^{۱۱}

* نظریات جورج زیمل^{۱۲} را می‌توان تبیین‌کننده‌ی رشد فردگرایی در دنیای جدید دانست. فردگرایی رو به تزاید در نسل جدید موجب به وجود آمدن اخلاقیات و ارزش‌هایی می‌شود که تمام عرصه‌های زندگی و از جمله ملاک‌ها و معیارهای انتخاب را برای نسل جوان متمایز از نسل گذشته می‌نماید. گروه مرجع در نسل جوان نیز تحت تاثیر این فردگرایی دارای تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل می‌شود.

آنتونی گیدنز^{۱۳} منشأ دگرگونی فرهنگی را با تضاد بین سنت و تجددگرایی و به تبع آن تقابل بین اختیار و خطرپذیری می‌بیند. گیدنز بر خلاف جامعه‌شناسان سلف خود نه تنها الگوهای ارزشی نسل جدید را نشانه‌ی فساد نمی‌داند بلکه آن‌ها را گونه‌ای دیگر از ملاک‌ها و معیارهای ارزشی می‌انگارد که حاکی از به‌وجود آمدن اخلاقیات جدید متناسب با دوران جدید است.

- رویکرد ساختی - کارکردی^{۱۴}

از نظر تالکوت پارسونز^{۱۵} همان‌گونه که در دنیای قدیم متغیرهای خاص آن دوران موجب برقراری نظم و ادامه‌ی حیات اجتماعی انسان‌ها می‌شده است، در دنیای جدید متغیرهای الگویی خاص آن، نظم را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. پارسونز معتقد است که عمل‌کننده با انگیزه‌ای است که انرژی خود را صرف دستیابی به یک هدف می‌نماید که آن هدف توسط نظام فرهنگی تعریف شده است (ممتاز، ۱۳۷۲، ص ۱۳۴). توجه رابرت مرتن^{۱۶} به ویژه به فرهنگ‌ها و جوامعی است که تأکید زایدالوصفی بر ارزش‌ها و اهداف فرهنگی دارند و در مقابل، اسباب و وسایل حصول بدان اهداف کمتر تأکید و مشخص شده است.

طبق نظریه‌ی مرتن از نظر نسل جدید بین اهداف مورد قبول جامعه مثل ثروت و منزلت و زیبایی و شهرت و وسایل رسیدن به آن‌ها از نظر جامعه که عبارت از علم و کاردانی و لیاقت و مهارت و تخصص و تجربه است، هماهنگی لازم و کافی وجود ندارد؛ لذا بسیاری از اعمال، رفتارها، معیارها و ارزش‌های نسل جدید با نسل والدین منطبق نیست و بین آن‌ها چالش به‌وجود می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰).

- رویکرد جهان اجتماعی^{۱۷}

از نظر پی‌یر بوردیو^{۱۸} فرد بر اساس ساختمان ذهنی^{۱۹} منحصر به فرد خود که تحت تاثیر محیط اجتماعی او قرار دارد جهان و محیط اجتماعی را می‌بیند و بر مبنای آن کنش انجام می‌دهد. طرز نشستن، لباس پوشیدن، سبک زندگی، باورها و نگرش‌ها، تقییدات و پای‌بندی‌ها، تبعیت از فرهنگ جدید یا سنتی، همه بازتاب ساختمان ذهنی اوست. ساختمان

ذهنی هم ماندگار است و هم انتقال‌پذیر، هم جهان اجتماعی را تولید می‌کند و هم تولیدشده‌ی جهان اجتماعی است (ریتزر، ۱۳۷۷، صص ۷۲۲-۷۲۱).

نظریات خُرد در موضوع ارزش‌ها و فاصله‌ی نسلی

- تاثیرپذیری والدین از فرزندان

نظریه‌ی مراحل رشد^{۲۰} می‌گوید: الگوی تاثیر بین والدین و فرزندان ممکن است در طول زمان تغییر کند. والدین مسن در آخر زندگی احتمالاً به بچه‌های در سنّ میانه‌ی‌شان به لحاظ نصیحت و اخلاقیات بیشتر از قبل وابسته‌اند و این با انعکاس کاهش اقتدار فیزیکی و فقدان قدرت اجتماعی توأم است. بر حسب این نظریه بچه‌ها در حرکت زمان به صورت افزایشی بر والدینشان تاثیر می‌گذارند، در حالی که تاثیر والدین بر گرایش‌های فرزندان با حرکت زمان (پیرترشدن) کاهش می‌یابد.

- آموزش

در کشورهای در حال توسعه که بی‌سوادی گریبان‌گیر اکثریت مردم است، آموزش^{۲۱} به عنوان عاملی پُر قدرت و مطمئن در دگرگونی فرهنگی و روانی تلقی می‌گردد. روشه می‌گوید: «آموزش در این جوامع باعث ایجاد اشکال جدیدی از تفکر و گسترش دیدگاه‌ها و درک انسان‌ها از جهان می‌گردد و نیز موجب اسطوره‌زدایی در ارتباط با محیط طبیعی می‌شود و عقل‌گرایی را در شناخت و در عمل توسعه می‌دهد و بالاخره قضاوت‌ها و روابط اجتماعی را به هنجارهای عمومی و خاصی مبدل می‌نماید» (روش، ۱۳۶۶، صص ۲۳۲).

- تفاوت ارزش‌ها

بنگستون^{۲۲} معتقد است والدین در طبقات اجتماعی و اقتصادی بالا به جامعه‌پذیری ارزش‌های خاص به فرزندان‌شان توجه نشان می‌دهند و افراد طبقات متوسط در ارزش‌های‌شان به رویکرد درونی توجه دارند و از روش نصیحت و راهنمایی استفاده می‌نمایند. والدین طبقات پایین از روش خشک (تنبیه) استفاده می‌نمایند. به عبارت دیگر،

شکاف در ارزش‌ها بین پیشرفته‌ها و عقب‌مانده‌ها از نظر آموزش و تحصیلات وجود دارد (خلیفه، ۱۳۷۸، صص ۱۰۸-۹۹).

همچنین کوهن در کار خود معتقد است که یقه‌آبی‌ها (طبقه‌ی کارگر) ارزش هم‌نوایی را به بچه‌هایشان انتقال می‌دهند و یقه‌سفیدها (کارمندان) ارزش خودجهت‌دهی یا قضاوت مستقلانه را به بچه‌هایشان منتقل می‌نمایند.

- اعتماد

به نظر اینگلهارت کاهش اعتماد^{۳۳} به حکومت بخشی از کاهش گسترده احترام به اقتدار است که با فرآیندهای مدرنیزاسیون و پُست‌مدرنیزاسیون در ارتباط است (خالقی‌فر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷). بی‌اعتمادی نسل فرزندان به عاملان جامعه‌پذیری در واقع بی‌اعتمادی به ارزش‌ها، عقاید و احکام آنان است که در نهایت طرد آن‌ها را به دنبال دارد.

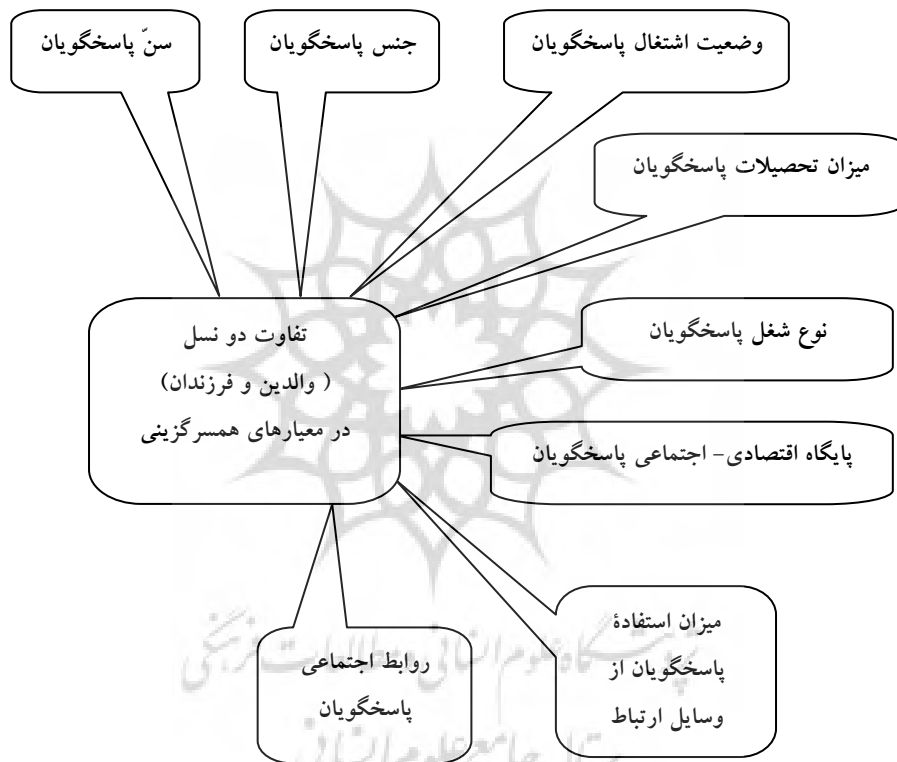
چهارچوب نظری تحقیق

مهمترین نظریه‌ی مورد استفاده در شکل‌گیری مراحل این تحقیق را می‌توان نظریه بوردیو در مورد تکوین «ساختمان ذهنی (عادت واره - منش)» دانست. بوردیو معتقد است که ذهن فرد را ساختارهای جامعه می‌سازد و در عین حال ساختارهای اجتماعی متناسب با ذهنیت افراد ساختاربندی می‌شود از همین روی، ساختمان ذهنی بر وفق ماهیت جایگاه افراد در جهان اجتماعی تغییر می‌پذیرد و برای همین است که افراد گوناگون ساختمان ذهنی واحدی در جامعه ندارند. به هر روی، آن‌هایی که جایگاه واحدی در جهان اجتماعی دارند، ساختمان ذهنی مشابهی نیز دارند (ریترز، ۱۳۷۷، ص ۷۲۱).

بنابر آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که تفاوت نسلی در حوزه‌ی معیارهای همسرگزینی از یک‌طرف ناشی از تاثیر ساختارهای اجتماعی است که افراد هر نسلی را در درون شبکه‌هایی از ساختارهای اجتماعی و پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی ویژه‌ای قرار می‌دهد که آن نسل را ناگزیر از پذیرش ملزومات آن ساختارها و شبکه‌ها و انتخاب‌هایشان را در ارتباط و متأثر از آن‌ها می‌نماید. از طرف دیگر کنشگران به‌عنوان افرادی که نقش تعیین‌کننده در گزینش کنش‌های مناسب با حداقل هزینه و حداکثر پاداش

(به تعبیر نظریه پردازان مکتب مبادله) دارند می‌توانند در کنش‌های شان سود و زیان خود را تشخیص دهند و در انتخاب‌های خود «انتخاب عقلانی»^{۲۴} داشته باشند.

مدل نظری تحقیق



روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش^{۲۵} بهره گرفته شده است. روش گردآوری اطلاعات استفاده از پرسشنامه است. جامعه آماری در این تحقیق شامل آن گروه از خانوارهای شهر تهران است که در زمان تحقیق (۱۳۸۸) ساکن دایم در یکی از مناطق ۲۲گانه‌ی این شهر و دارای حداقل یک فرزند مجرد ۱۹ تا ۳۴ سال بوده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۰۰ نفر محاسبه شد و نمونه‌ها برای هر یک از چهار موقعیت مختلف افراد در

خانوارها شامل پدران، مادران، پسران و دختران به طور مساوی و به تعداد ۱۵۰ نفر تعیین گردید. به دلیل عدم امکان دستیابی به تعداد خانوارهای واجد شرایط تحقیق به تفکیک مناطق مختلف شهر تهران، محاسبه تعیین نسبت جمعیت نمونه برای هر منطقه، با توجه به جمعیت و تعداد بلوک‌های واقع در هر منطقه صورت گرفت و هر بلوک مسکونی به عنوان یک خوشه از خانوارهای تحقیق مورد نظر قرار گرفت. جمعاً تعداد ۵۰ بلوک در نظر گرفته شد تا با توجه به جمعیت هر منطقه این بلوک‌ها بین مناطق ۲۲ گانه تقسیم شود. در هر منطقه بین ۱ تا ۵ بلوک به عنوان خوشه جهت انجام مصاحبه انتخاب شد تا در هر بلوک با ۱۲ نفر مصاحبه به عمل آید (با ۳ پدر، ۳ مادر، ۳ پسر و ۳ دختر).

بلوک‌های مورد نظر برای انجام مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار مخصوص نمونه‌گیری از بلوک‌های شهر تهران، موجود در مرکز آمار ایران، که در آن جمعیت و تعداد بلوک‌های هر منطقه در نظر گرفته شده است، با مشخص نمودن تعداد بلوک‌های مورد نظر (۵۰ بلوک)، به طور تصادفی مشخص شد. بنابراین می‌توان شیوه‌ی نمونه‌گیری در این تحقیق را نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای نامید.

چگونگی جمع‌آوری اطلاعات

فاصله‌ی نسلی در حوزه معیارهای همسرگزینی از یک طرف با توجه به معیارهای والدین در زمان گذشته و هنگام انتخاب همسر برای خودشان و از طرف دیگر با توجه به آنچه که در حال حاضر برای همسرگزینی فرزندان‌شان مدنظر دارند در مقایسه با معیارهای همسرگزینی فرزندان تحقیق و بررسی قرار گرفت. در این تحقیق پدران، مادران، پسران و دختران از خانوارهای مختلفی بوده‌اند و مقایسه زوجی امکان‌پذیر نبوده است لذا فاصله‌ی نسلی در این تحقیق عبارت از میانگین مجموع قدر مطلق‌های تفاضل نظرات پدران با پسران و تفاضل نظرات مادران با دختران می‌باشد.

جدول شماره (۱): خلاصه‌ی آزمون‌های مربوط به شاخص‌های متغیر وابسته (تفاوت معیارهای همسرگزینی نسل والدین

در موقع ازدواج خودشان با معیارهای نسل فرزندان برای همسرگزینی)

شاخص‌ها و گویه‌ها	پدران - پسران	مادران - دختران	نسل والدین - نسل فرزندان	ارضیت معنی‌داری (نسل والدین - نسل فرزندان)
معیارهای ظاهری و جسمی همسر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	+
موقعیت مالی و اقتصادی همسر و خانواده‌اش	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	+
معیارهای اخلاقی و مذهبی همسر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	+
تحصیلات همسر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	+
همسان همسری قومی - مکانی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	+
عشق و علاقه و درک و تفاهم متقابل بین دختر و پسر	۰/۴۱۶	۰/۰۷۰	۰/۰۶۵	-
توانایی همسر در مدیریت منزل	۰/۰۰۰	۰/۵۱۵	۰/۰۰۰	+

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌گردد، تفاوت میانگین‌های نظرات نسل والدین و نسل فرزندان در ۶ شاخص از ۷ شاخص کلی این متغیر، معنی‌دار و یک شاخص فاقد سطح معنی‌داری لازم است.

جدول شماره (۲): آزمون تفاوت مجموع نظرات نسل والدین در مورد معیارهای همسرگزینی در موقع ازدواج خودشان با معیارهای نسل فرزندان برای همسرگزینی خود

تعداد نمونه	پدران	پسران	مادران	دختران	نسل والدین	نسل فرزندان
۳۸۳	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۳۰۰	۳۰۰
میانگین	۳۸/۳	۶۰/۳	۴۱/۷	۵۳/۷	۴۰/۰۳	۵۷/۰۳
تفاوت میانگین‌ها	-۲۲/۰	-۱۲/۰	-۱۱/۹	-۱۷/۰	-۲۲/۵	-۱۷/۰
t	-۲۱/۰	-۱۱/۹	-۱۱/۹	-۱۱/۹	-۲۲/۵	-۱۷/۰
df	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۵۹۸	۵۹۸
Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

همانگونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، تفاوت نظرات نسل والدین و نسل فرزندان در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد.

نتایج محاسبه و تحلیل رگرسیون

آزمون‌های همبستگی بین متغیرهای مستقل و فاصله‌ی نسلی، متغیرهای واقع در جدول شماره (۳) را با متغیر وابسته در سطح ۹۵٪ معنی‌دار می‌داند لذا این متغیرها وارد تحلیل رگرسیون شده است.

جدول شماره (۳): متغیرهای مستقل که همبستگی معنی‌دار با فاصله‌ی نسلی دارد و وارد تحلیل رگرسیون شده است

سطح معنی‌داری	روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین جنسیت و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین سن و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین وضعیت شغلی و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۲۰	آزمون رابطه بین روابط با بستگان پدر خانوار و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان استفاده از ماهواره و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان استفاده از تلویزیون و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان استفاده از رادیو و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان استفاده از اینترنت و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان مطالعه روزانه و مجله و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین نوع شغل پاسخگویان و فاصله‌ی نسلی
۰/۰۰۰	آزمون رابطه بین میزان تحصیلات پاسخگویان و فاصله‌ی نسلی

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که حدود ۴۹٪ تغییرات در فاصله‌ی نسلی به وسیله مجموع متغیرهای مستقل مزبور قابل تبیین است. همچنین جدول شماره ۵ نیز معنی‌دار بودن

رگرسیون و رابطه‌ی خطی میان متغیرها را بیان می‌کند و معنی‌دار بودن آن را در سطح ۰/۹۹٪ اطمینان تایید می‌کند.

جدول شماره (۴): نتایج آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره فاصله‌ی نسلی

خطای استاندارد برآورد St. Er. Of Estimate	ضریب تعیین تعدیل شده Adj. R Square	ضریب تعیین R Square	ضریب همبستگی چندگانه R
۰/۴۹۴	۰/۴۸۵	۰/۴۹۴	۰/۷۰۳

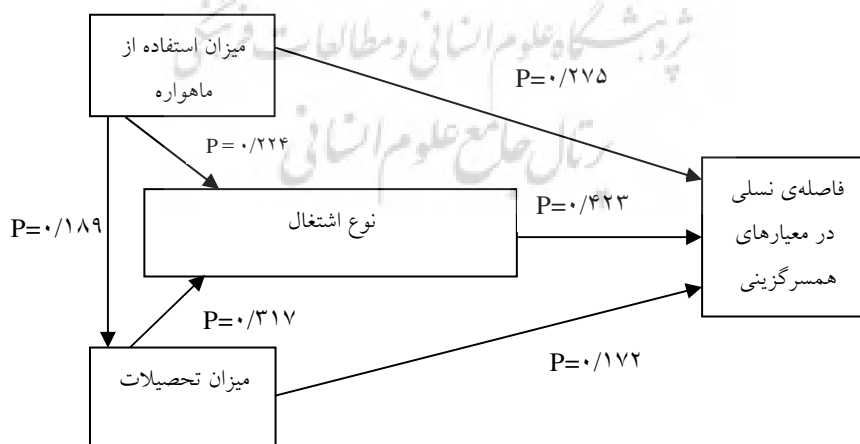
جدول شماره (۵): نتایج معنی‌داری ضرایب بتای متغیرهایی که با فاصله‌ی نسلی رابطه‌ی همبستگی نشان داده‌اند.

Sig.	t	Beta	St. Er.	B	
۰/۰۰۰	۱۲/۹۸	۰/۴۲۳	۰/۰۱۲	۰/۱۵۶	نوع اشتغال پاسخگویان
۰/۰۰۰	۸/۰۰۲	۰/۲۷۵	۰/۰۴۷	۰/۳۷۸	میزان استفاده پاسخگویان از ماهواره
۰/۰۰۰	۴/۸۵	۰/۱۷۲	۰/۰۲۴	۰/۱۱۹	میزان تحصیلات پاسخگویان

تحلیل مسیر

هر چند در نرم‌افزار SPSS، برای تحلیل مسیر راه ویژه و اختصاصی تعبیه نشده است، اما از راه تحلیل رگرسیون می‌توان به تحلیل مسیر پرداخت (جهانبخش، ۱۳۸۲، ص ۷۵). با توجه به تحلیل‌های رگرسیون انجام‌شده و ضرایب بتای مربوط به همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل در هر مرحله می‌توان مدل مسیر را به صورت زیر نشان داد:

مدل مسیر



تفاوت معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندان با معیارهای نسل فرزندان

همان‌گونه که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود، تفاوت میانگین‌های نظرات نسل والدین و نسل فرزندان در مورد ۳ شاخص از ۷ شاخص کلی این متغیر معنی‌دار و ۴ شاخص فاقد سطح معنی‌داری لازم است.

جدول شماره (۶): خلاصه‌ی آزمون‌های تفاوت معیارهای نسل والدین برای

همسرگزینی فرزندان با معیارهای نسل فرزندان

شاخص‌ها و گویه‌ها	پدران - پسران	مادران - دختران	نسل والدین - نسل فرزندان	وضعیت معنی‌داری (نسل والدین - نسل فرزندان)
معیارهای ظاهری و جسمی همسر	۰/۰۴۴	۰/۳۴۷	۰/۱۰۲	-
موقعیت مالی و اقتصادی همسر و خانواده‌اش	۰/۴۰۷	۰/۳۹۳	۰/۹۴۰	-
معیارهای اخلاقی و مذهبی همسر	۰/۰۰۰	۰/۰۹۸	۰/۰۰۰	+
تحصیلات همسر	۰/۰۰۱	۰/۲۱۸	۰/۰۷۶	-
همسان‌همسری قومی - مکانی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	+
عشق، علاقه، درک و تفاهم متقابل بین دختر و پسر	۰/۱۳۱	۰/۶۸۷	۰/۴۴۳	-
توانایی همسر در مدیریت منزل	۰/۰۰۰	۰/۲۵۲	۰/۰۰۰	+

میانگین مجموع گویه‌های مربوط به متغیر وابسته در این فرضیه نیز با **t-test** آزمون شده است که نتایج آن‌ها در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود.

جدول شماره (۷): آزمون تفاوت نظرات نسل والدین برای همسرگزینی فرزندان با معیارهای نسل فرزندان

t-test for Equality of Means				
پدران	پسران	مادران	دختران	نسل والدین
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۳۰۰
۶۰/۵۰	۵۹/۲۲	۶۲/۶۹	۶۲/۶۸	۵۹/۱۴
تفاوت میانگین‌ها	۱/۲۸	۰/۰۱	۰/۰۱	-۰/۷۱
t	۱/۱۲۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	-۰/۹۵۹
df	۲۹۸	۲۹۸	۲۹۸	۵۹۸
Sig. (2-tailed)	۰/۲۱۲	۰/۹۸۹	۰/۹۸۹	۰/۳۳۸

همان‌گونه که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، تفاوت میانگین‌ها برای پدران - پسران، برای مادران - دختران و برای نسل والدین و نسل فرزندان معنی‌دار نمی‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها تحقیق

- تفاوت محسوسی بین پدران و مادران در زمان ازدواج خودشان و پسران و دختران از نظر ملاک‌های ظاهری و جسمی مشاهده می‌شود.
- داشتن شغل چه از نظر نسل والدین و چه از نظر نسل فرزندان اهمیت نسبتاً زیادی در همسرگزینی دارد.

- هر دو گروه پاسخگوی مادران و دختران اهمیت نسبتاً بالایی برای میزان مهریه متناسب قایل بوده‌اند.
- پسران اهمیت بیشتری نسبت به پدران در هنگام ازدواج خودشان، برای جهیزیه دختر اهمیت قایل هستند.
- خوش اخلاق بودن همسر در همه گروه‌های پاسخگو، اهمیت بالایی دارد. آزمون‌های آماری نیز تفاوت‌های گروه‌های پاسخگو در مورد این معیار را معنی‌دار نمی‌داند.
- معیار اهمیت دین‌دار بودن همسر در همسرگزینی به‌طور محسوسی بین دو نسل والدین و فرزندان متفاوت بوده است.
- در مورد اهمیت محجب‌بودن دختر به‌عنوان ملاک همسرگزینی، پدران چه هنگام ازدواج خودشان و چه برای همسرگزینی پسرانشان اهمیت نسبتاً بالایی برای این معیار قایل بوده‌اند. پسران در مجموع اهمیت زیادی برای محجب‌بودن دختر قایل نبوده‌اند.
- متانت داشتن و باوقار بودن پسر به‌عنوان معیار همسرگزینی، برای مادران و دختران، اهمیت نسبتاً بالایی دارد.
- در مورد داشتن تحصیلات دانشگاهی به‌عنوان معیار همسرگزینی، پسران و دختران نسبت به نسل والدین در هنگام ازدواج خودشان، اهمیت بیشتری قایل می‌باشند. پدران و مادران نیز برای همسرگزینی فرزندان‌شان اهمیت نسبتاً بالایی در مقایسه با هنگام ازدواج خودشان نسبت به داشتن تحصیلات دانشگاهی همسر آینده فرزندان‌شان، قایل می‌باشند.
- پدران در موقع ازدواج خودشان، بسیار بیشتر از پسران، به خویشاوند بودن همسر آینده‌شان به‌عنوان ملاک همسرگزینی اهمیت می‌داده‌اند. مادران نیز در هنگام ازدواج خودشان، برای این معیار اهمیت بالایی قایل بوده‌اند.
- نسل والدین در مقایسه با نسل فرزندان تمایل بیشتری نسبت به همشهری بودن همسر آینده، چه هنگام ازدواج خودشان و چه برای همسرگزینی فرزندان‌شان، دارند. همچنین تمایل نسل فرزندان نسبت به همشهری بودن همسر بسیار بیشتر از خویشاوند بودن همسر می‌باشد.
- بین پدران در هنگام ازدواج خودشان با پسران تفاوت محسوسی نسبت به هم‌قوم بودن همسر آینده‌شان وجود دارد. تفاوت بین مادران و دختران در این زمینه کمتر است.

- نسل والدین نسبت به هم‌قوم‌بودن همسر فرزندشان در مقایسه با زمان ازدواج خودشان، تمایل کمتری را نشان داده‌اند.
- در مورد اهمیت معیار عشق و علاقه در همسرگزینی، نسل والدین و نسل فرزندان اهمیت نسبتاً بالایی به این معیار نشان می‌دهند و تفاوت قابل توجهی را بین گروه‌های پاسخگو از این نظر نمی‌توان استنباط نمود.
- در مورد معیار تفاهم و درک متقابل در همسرگزینی، دختران و پسران در مقایسه با نسل والدین اهمیت بیشتری قایل می‌باشند. نسل والدین برای همسرگزینی فرزندانشان نیز بیش از موقع ازدواج خودشان به این موضوع اهمیت می‌دهند.
- در مورد معیار تبخیر زن در کارهای منزل در همسرگزینی، پدران در مجموع چه هنگام ازدواج خودشان و چه برای ازدواج فرزندانشان بیش از پسران به این موضوع اهمیت داده‌اند.
- در مورد معیار مشارکت مردان در کارهای منزل در همسرگزینی، مادران و دختران به این موضوع اهمیت داده‌اند و تفاوت معنی‌داری در نظرات آن‌ها از این نظر مشاهده نمی‌شود.

نتایج به‌دست آمده در مورد عوامل مؤثر بر فاصله‌ی نسلی در معیارهای همسرگزینی

- هر چه افراد در نسل والدین مسن‌تر باشند فاصله‌ی آن‌ها با نسل فرزندان در معیارهای همسرگزینی (فاصله‌ی نسلی) بیشتر است.
- فاصله‌ی نسلی مردان (فاصله‌ی معیارهای پدران با پسران) بیش از فاصله‌ی نسلی زنان (فاصله‌ی معیارهای مادران با دختران) است.
- فاصله‌ی نسلی پسران (در مقایسه با پدران) در معیارهای همسرگزینی بیش از دختران (در مقایسه با مادران) است.
- هر چه میزان تحصیلات پاسخگویان بیشتر باشد فاصله‌ی نسلی‌شان بیشتر است.
- بین نوع اشتغال پاسخگویان و فاصله‌ی نسلی آن‌ها رابطه وجود دارد. دارندگان مشاغل ساده با دستمزد کم و زنان خانه‌دار و بازنشستگان با فاصله‌ی نسلی کمتر و دارندگان مشاغل مرتبه‌ی بالا با درآمد بالا با بیشترین فاصله‌ی نسلی هستند.
- هر چه پایگاه اجتماعی، اقتصادی بالاتر باشد فاصله‌ی نسلی بیشتر است.

- بین میزان استفاده از ماهواره، کانال‌های داخلی تلویزیون، رادیو، اینترنت و میزان مطالعه‌ی روزنامه و مجله و فاصله‌ی نسلی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- بین میزان مطالعه‌ی کتاب و فاصله‌ی نسلی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.
- هر چه روابط خویشاوندی با بستگان پدرِ خانوار بیشتر باشد، فاصله‌ی نسلی کمتر است.
- بین میزان روابط خویشاوندی با بستگان مادرِ خانوار و روابط با دوستان و فاصله‌ی نسلی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.
- بین میزان استفاده از مراکز هنری، ورزشی و تفریحی و نیز شرکت پاسخگویان در مراسم مذهبی فاصله‌ی نسلی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.
- همچنین با استفاده از آزمون‌های تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر مشخص شد که مؤثرترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل در فاصله‌ی نسلی - با توجه به داده‌های این تحقیق - نوع شغل، میزان تحصیلات و در نهایت میزان استفاده از ماهواره بوده‌اند.
- بین معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندانشان با معیارهای نسل فرزندان برای همسرگزینی‌شان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج نظری از یافته‌های تحقیق

تفاوت نسلی در پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی بالا و متوسط به ترتیب بیش از پایگاه‌های پایین می‌باشد. به نظر می‌رسد که در جامعه‌ی مورد بررسی ما (شهروندان شهر تهران)، پایگاه پایین جامعه نیز همچون پایگاه متوسط از روش‌های درونی (خانوادگی) استفاده می‌نمایند و به این جهت فاصله‌ی نسلی در آن‌ها نسبت به پایگاه بالا و متوسط کمتر است. همچنین عامل تحصیلات و آموزش نیز می‌تواند همچون نظرات بنگستون و سایر دانشمندان، تفاوت‌های بین نسلی در جامعه‌ی مورد بررسی ما را در موضوع معیارهای همسرگزینی تحت تاثیر قرار دهد و همان‌گونه که در تحلیل رگرسیون مشاهده شد، عامل تحصیلات یکی از عوامل در کنار، اشتغال و تماشای برنامه‌های ماهواره بوده است.

یکی دیگر از نظریاتی که یافته‌های تحقیق حاضر آنرا تایید می‌نماید، نظریه‌ی مراحل رشد است، طبق این نظریه، الگوی تاثیر بین والدین و فرزندان، ممکن است در طول زمان تغییر کند و بچه‌ها در حرکت زمان به صورت افزایشی بر والدین‌شان تاثیر بگذارند. همانگونه که در تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق مشاهده شد معیارهای نسل والدین برای همسرگزینی فرزندان‌شان در بسیاری موارد در مقایسه با معیارهای آن‌ها برای ازدواج خودشان، در جهت معیارهای نسل فرزندان دگرگون شده است، به‌گونه‌ای که در مجموع تفاوت معنی‌داری بین نظرات این دو نسل مشاهده نشد و این در حالی بود که در بسیاری از معیارها تفاوت معنی‌داری بین نظرات نسل والدین برای همسرگزینی خودشان با معیارهای نسل فرزندان وجود داشته است.

در مورد نقش آموزش و تحصیلات نیز یافته‌های این تحقیق مؤید نظریاتی است که در این مورد از طرف برخی صاحب‌نظران از جمله جاکوبسن و همکارانش و نیز نوک در مطالعاتی که در خانواده‌های ترکیه‌ای داشته است، می‌باشد. جاکوبسن و همکاران در کار تحقیقی خود به این نتیجه می‌رسند که با افزایش سطح تحصیلات فرزندان شکاف بین نسلی افزایش می‌یابد و یکی از پیامدهای افزایش سواد فرزندان را وسعت اختلاف در نگرش‌ها و عقاید والدین و فرزندان می‌دانند (جاکوبسن و دیگران، ۱۹۷۵، ص ۸۴۱).

نوک در مطالعه‌اش درباره خانواده‌های ترکیه شواهدی را از کاهش تأکید بر جامعه‌پذیری و سوگیری‌های هم‌نویانه در سطوح بالای آموزش والدین یافته است (نوک، ۱۹۸۷، ص ۲۵۳).

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق رابطه‌ی میزان استفاده از ماهواره و فاصله‌ی نسلی است. همان‌گونه که در تجزیه و تحلیل اطلاعات و در تحلیل رگرسیون مشاهده شد میزان استفاده از ماهواره از عوامل تعیین‌کننده در تبیین واریانس فاصله‌ی نسلی در حوزه‌ی مورد مطالعه (معیارهای همسرگزینی) است. در توصیف یافته‌های تحقیق نیز مشاهده شد که اقبال مختلف اجتماعی در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه (شهر تهران) از این وسیله‌ی ارتباطی استفاده می‌نمایند.

کاربردهای تحقیق و پیشنهادهای اجرایی در موضوع فاصله‌ی نسلی

این تحقیق و تحقیقات مشابه می‌تواند با شناخت جامعه‌ی مورد مطالعه مخصوصاً ارزش‌ها، توقعات و انتظارات نسل جوان، مسؤولین فرهنگی و اجرایی را در فراهم نمودن امکانات لازم در جهت برنامه‌ریزی‌های مناسب برای این قشر از جامعه یاری نماید. مسلماً ریشه‌یابی ارزش‌ها و معیارهای نسل جوان در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی‌شان از جمله در مسأله‌ی ازدواج و همسرگزینی می‌تواند نقش زیادی در حل تعارضات نسل‌های والدین و فرزندان داشته باشد. توجه نکردن به خواسته‌های نسل جوان هزینه‌های زیادی را هم برای خانواده‌ها و هم برای نهادهای مختلف جامعه در پی خواهد داشت. موضوع مورد مطالعه‌ی این تحقیق که در حال حاضر به‌طور مستقیم مسأله‌ی ازدواج جوانان را که یکی از مسایل مبتلا به جامعه و خانواده‌ها می‌باشد، بررسی می‌کند، می‌تواند راه‌کارهای مفیدی را در نزدیک‌سازی افکار و عقاید و ارزش‌ها و معیارهای هر دو نسل فراهم نماید و از تنش‌های خانوادگی ناشی از تضارب افکار والدین و فرزندان و نیز تنش‌های موجود در جامعه که ناشی از نداشتن تفاهم و سازگاری نسل گذشته که مسؤولین نهادهای اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود و نسل جدید که جوانان هستند، جلوگیری نماید. ایجاد کانون‌های فرهنگی و اجتماعی با مشارکت جوانان، میانسالان و بزرگسالان که با مشارکت، حمایت و همراهی نهادهای دولتی می‌تواند به این امر کمک شایان توجهی نماید.

گسترش مراکز اوقات فراغت که در آن‌ها جوانان و بزرگسالان بتوانند در کنار یکدیگر به گذران اوقات بی‌کاری خود پرداخته و در تعامل با یکدیگر به فعالیت‌های گوناگون ورزشی، تفریحی، هنری و فرهنگی بپردازند موجب تقرب افکار و عقاید آن‌ها می‌شود و می‌تواند تفاهم و درک متقابل ارزش‌ها و خواسته‌های آن‌ها را به همراه داشته باشد. همچنین استفاده‌ی هر چه بیشتر از تلویزیون به عنوان رسانه‌ی ملی در اجرای برنامه‌های گفتگو و مناظره بین دو نسل والدین و فرزندان می‌تواند در این زمینه بسیار تاثیرگذار باشد.

زیر نویس‌ها

- | | | |
|-----------------------------------|---|-----------------------------------|
| 1- Genration Gap | 2- Emil Durkheim | 3- Anomy |
| 4- Generation | 5- Value Intergeneration Gap | 6- Criterion |
| 7- View of Historical Generations | 8- Karl Manheim | 9- Margaret Mead |
| 10- Ronald Inglehart | 11- View of Tradition to Modernity Transition | |
| 12- George Simmel | 13- Anthony Giddens | 14- Structural- Functional View |
| 15- Talcott Parsons | 16- Robert K. Merton | 17- Social World View |
| 18- Piere Bourdieu | 19- Habitus | 20- Theory of developmental Stage |
| 21- Education | 22- Vern Bengston | 23- Trust |
| 24- Rational Choice | 25- Survey | |

منابع

- ۱- اینگلهارت، رونالد. تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته صنعتی. ترجمه: مریم وتر. تهران: انتشارات کویر. چاپ اول: ۱۳۷۳.
- ۲- جهانپخش، اسماعیل. راهنمای ساده کاربرد آزمون‌های آماری در پژوهش‌های علمی. اصفهان: انتشارات دانش‌پژوهان برین. چاپ اول: ۱۳۸۲.
- ۳- خالقی، فرهاد. بررسی ارزش‌های مادی/فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران. عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نسل‌تکان فرهنگی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۱.
- ۴- خلیفه، عبدالطیف محمد. بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها. ترجمه: سیدحسین سیدی. مشهد: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول: ۱۳۷۸.
- ۵- ریشه، گی. تغییرات اجتماعی. ترجمه: منصور وثوقی. تهران: نشر نی. چاپ اول: ۱۳۶۶.
- ۶- ریتزر، جورج. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ سوم: ۱۳۷۷.
- ۷- محسنی تهریزی، علیرضا. آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان. بررسی انزوای ارزشی (بیکارگی فرهنگی) و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی کشور. تهران: مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. ۱۳۸۰.
- ۸- ممتاز، فریده. جزوه‌ی درسی نظریه‌های جامعه‌شناسی ۲. تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۲.
- 9- Jacobsen, R. Brooke and Berry, Kenneth J, et al, 1975, An empirical test of the generation gap: a comparative interfamily study, Journal of Marriage and the family, Vol. 37, pp. 841- 850.
- 10- Manheim, Karl, The problem of generation ,in essays on the sociology of knowledge, Rutledge, 1952.
- 11- Nock, Steven L., Sociology of the family, USA, New Jersey, Prentice Hall, 1987.